



تجلی ائمه در غزلیات و رباعیات بیدل دهلوی

زری عبودی زاده

کارشناسی ارشد جغرافیای طبیعی (اقلیم شناسی در برنامه ریزی محیطی) - آموزش و پرورش ناحیه 2 اهواز - ایران

zariaboudizadeh@gmail.com

فاطمه عبودی زاده

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی - فعالیتهای آموزشی نظیر تدریس در دانشگاه پیام نور اهواز و ویراستاری در سازمان مدیریت و

برنامه ریزی و پایان نامه های کارشناسی ارشد و دکترا

fatemehaboudizadeh@yahoo.com

چکیده

بیدل دهلوی از شاعرانی است که با وجود بیان صریح گرایش مذهبی خود به اهل سنت در بین شیعیان نیز محبوب می باشد؛ شناخت علت این مسئله و به کار گیری طریقی که زمینه ساز آن گردیده، می تواند در توسعه ارتباطات کلامی دوستانه بین مذاهب نقش مؤثری ایفا نماید؛ موضوعی که متأسفانه تاکنون کمتر مورد توجه و بررسی قرار گرفته است؛ در همین راستا پژوهش حاضر تلاشی است در جهت جمع آوری رباعیات و ابیاتی از غزلیات بیدل دهلوی که درباره ائمه شیعه سروده شده است. بدیهی است بررسی این گونه اشعار می تواند بازگوکننده دیدگاه و عوامل مؤثر بر بیان معقول و مقبول شاعر باشد. نتایج به دست آمده از جستجوها نشان داد که آگاهی، نگرش و عملکرد مناسب بیدل تأثیری به سزا بر اشعار او داشته است؛ او امامان شیعه را فرزندان پیامبر و بر سنت آن حضرت معرفی کرده و بر همین اساس نپذیرفته که با اصحاب (ابوبکر و عمر) دشمن باشند؛ و همچنین ائمه را دارای کمالات می داند و با انعکاس مجموع این عوامل در اشعار خویش ابیاتی زیبا در مدح امامان شیعه رقم زده است که تحسین برانگیز باشد. روشی که بیدل دهلوی درباره تشیع در پیش گرفته شیوه ای مدبرانه و ماهرانه است که به کارگیری آن از سوی اندیشمندان هر یک از ادیان و مذاهب می تواند سبب توسعه ارتباطات دوستانه و افزایش گستره ی کلامی آنها گردد.

واژگان کلیدی: بیدل دهلوی، ائمه شیعه، تشیع، روافض.

The Manifestation of the Imams in the Odes and Quatrains of BIDEL DEHLAVI

**Zari Aboudizadeh**

Master of Geography Physical (Climatology in the circumferential planning) , The Ministry of
Educations , 2 area of Ahvaz , Iran .

zariaboudizadeh@gmail.com

Fatemeh Aboudizadeh

Master of Persian Language and Literature , educational activities such as teaching in Payame Noor
University and the editor of the organization and management planning and the end of the master's

degrees and Ph.D.'s letters .

fatemehaboudizadeh@yahoo.com

Abstract

Bidel Dehlavi of poets that their religious tendency to Sunni openly said , however , is popular among the Shiites . This is due to understanding and its application in the development of friendly verbal communication between religions has played an important role , which unfortunately so far less attention is being investigated . In this context , the present study is an effort to collect quatrains and couplets of ghazals Bidel Shia imams who has written about . Obviously to review such poems can reflect the vision and factors affecting sensible words and is acceptable to be a poet . Results from the study showed the knowledge , attitudes and the proper functioning of Bidel impact on his poems have done a very eminent piece , Bidel says shia imams are the children of the prophet and follow him on the same basis and Bidel does not accept that the Prophet children with companions of the Prophet (Abu Bakr and Omar) are the enemy . He also knows the imams have accomplishments and with a total of these factors in his beautiful poetry couplets in praise of Shia imams who has written an impressive . The method of Bidel about Shiism , used a strategic and subtle , is that the use of by scholars each of religions could cause the development of friendly relations and increasing scope to their verbal .

Keywords: Bidel Dehlavi , Shia imams , Shiism , Heterodox .



مقدمه

یکی از مهم ترین مسائل جهان امروز ، یافتن راهی برای رهایی از دغدغه ی جنگ های ویرانگری است که به بهانه های مختلف ، از اختلاف در گستره ی مرز و بوم گرفته تا دین و مذهب و رنگ و نژاد و ... اتفاق می افتد و در این حین جان و مال و آسایش مردم را دستخوش ناامنی و پریشانی می نماید ؛ اما آیا به راستی برای دفع این آتش سوزان چاره ای می توان یافت ؟! پاسخ این است که بسیاری از انسان های خردمند آنگاه که ورای خواسته ها و آرزوهای خویش به آسودگی مردم جهان می اندیشند و بدون هیچ ادعایی در مسیر پیشبرد دنیا به سوی آینده ای روشن گام برمی دارند ؛ در حقیقت راهی برای آن یافته و خود طلایه دار حرکت بدان سوی گردیده اند ؛ از مخترعات و مکتشفان و دانشمندان علم پزشکی و نجوم و ... که بگذریم ، نویسندگان و شاعران و عارفانی چون بیدل دهلوی را نباید فراموش کرد که با آگاهی و کمال خویش انسانیت و جوانمردی و بزرگ منشی را در وجود بزرگان هر دین و مذهبی نمودار ساخته و چنان به آن بالیده اند که گویی خود از آنان بوده اند .

بیدل دهلوی شاعری از خطه ی هندوستان بود اما به پارسی شعر می سرود و با این که مذهب اهل سنت داشت ، ائمه شیعه را نیز می ستود . او چنان در این کار با درک و دانش و بدون تعصب عمل می کرد که توانست با اشعارش سره را از ناسره یعنی شیعیان واقعی را از روافض باز شناسانده و جدا سازد و بدین وسیله بابی از اشتراکات و دوستی های بین شیعه و سنی را نشان دهد .

اشعار بیدل درباره ی ائمه چنان پرشور و حرارت و از دل بیان شده است که هر شیعه ای با خواندن آنها در وجود خود احساس شعف و افتخار می نماید و هم زمان متوجه دوستی و محبت برادران اهل سنت می گردد . و ناخودآگاه ارادت آنان به ائمه را تحسین می نماید .

به طور کلی مجموعه اشعار بیدل از بخش هایی شامل غزلیات ، ترکیب بندها ، ترجیع بندها ، قصاید ، قطعات و ... تشکیل شده که در بین قصاید و مثنوی ها ، بعضی به منقبت حضرت علی (ع) اختصاص یافته است ؛ اما در مورد غزلیات که یک بیت و حتی یک مصرع بیانگر شالوده تراوشات ذهن و احساس شاعر است و خبری از مدحیات پیوسته و طولانی نیست نیز بیدل تنها با یک کلام نغز و پر محتوای خویش دنیایی از تحسین را نثار ممدوح نموده ، او در این زمینه چنان استادانه عمل کرده است که خود نیز به همان نسبت مورد تحسین قرار گرفته است :

کیست در این انجمن محرم عشق غیور
ما همه بی غیرتیم آینه در کربلاست
(بیدل ، غزل 430)

در رباعیات هم بیدل سنگ تمام گذاشته و با کوتاه ترین کلام ، اشعار پر مغزی را درباره ممدوحان خویش ، از جمله امامان شیعه رقم زده است :

با آل نبی بندگیم ایمانی است
لیکن به زبان هندیان می گویم
با اصحابش همان نیاز جانی است
اینحرف که دشمن علی مروانی است
(بیدل ، 1342 : 538)

مذهب در اشعار بیدل



بیدل از جمله معدود شاعرانی است که ، در ابراز عقاید خود طریق اعتدال را در پیش گرفته است . او همان گونه که مطابق اعتقاد خویش خلفای چهار گانه را ستوده ، ارادت و احترام خود به ائمه ی شیعه را نیز در اشعارش نشان داده است . در غزلیات و رباعیات این شاعر گرانمایه سنّی ، ابیات متعددی وجود دارد که در آنها به تناسب موضوع از امام علی ، امام حسین ، امام حسن و حضرت مهدی (علیه السلام) یاد شده و بسیاری از صفات نیکوی این بزرگواران نظیر حق طلبی ها ، رشادت ها ، ستم ستیزی ها و جور و جفایی که در راه هدف والای خویش متحمل شده اند مورد تمجید قرار گرفته است ؛ اما با وجود این ستایش ها ، در مورد جانشینی پیامبر ، بیدل همچنان عقیده دارد که نزد انسان های دیندار واقعی ، چنین جایگاهی مختص ابوبکر ، عمر ، عثمان و علی (علیه السلام) می باشد :

آن تخم حقیقت که نبوت شجر است پیش جمعی که دینشان معتبر است
بوبرکش ریشه شاخ و برگش عمر است عثمانش شکوفه مرتضایش ثمر است

(بیدل ، 1342 : 47)

او در ابیاتی دیگر دلیل باور خود به تقدم خلافت ابوبکر و عمر را این گونه بیان نموده است :

بر بوبکر و عمر علی حق کیش میدید رعایت نبی از همه پیش
چون آمد نوبت امامت بظهور از شرم تقدم نپسندید بخویش

(بیدل ، 1342 : 336)

ظاهراً بیدل در این ابیات ، روایتی را مدّ نظر دارد که در بعضی منابع اهل سنت از جمله صفحه 55 جلد یک « صحیح جامع الصغیر » از قول پیامبر نقل گردیده است :

« اقتدوا بالذین من بعدی ابابکر و عمر »
بعد از من به ابوبکر و عمر اقتدا کنید .

البته این نقل از نظر علمای شیعه مورد تأیید قرار نگرفته است ؛ با این حال بیدل در اشعار خود سعی نموده با شاهد قرار دادن نحوه عمل و گفتار حضرت علی درباره این مسأله ، درستی اعتقاد خویش را به اثبات برساند :

جمعی گفتند یا علی ای همه جود از بوبکر و عمری بیقینت چه گشود
فرمود ای دوستان درین آئینها جز حضرت عدل مصطفی هیچ نبود

(بیدل ، 1342 : 222)

استفاده بیدل از چنین ابیاتی و تلاش او در نشان دادن تأیید حضرت علی و موافقت او با تقدم خلافت ابوبکر و عمر ، خود نشان دهنده جایگاه خاص و والای امام علی (علیه السلام) می باشد . مرتبه ای که از شخصیت و کمال او نشأت گرفته و بدین گونه توصیف گردیده است :

فهم بشری گر چه کمال انجامست در کنه علی سعی خیال خامست
جز عجز آنجا نمی توان بردن پیش کان عالم ذوالجلال و الاکرامست



(بیدل ، 1342 : 129)

البته این تنها یک بیان ادعا گونه نیست بلکه شاعر در بسیاری دیگر از اشعارش صفات و ویژگی های علی (علیه السلام) نظیر رزم و فداکاری در راه اسلام ، علم و فضل ، تقرب به پیامبر و خصوصیات دیگر را توصیف و ستایش کرده که می توان آنها را شواهدی مناسب برای ابیات فوق دانست . علاوه بر این بسیاری دیگر از اوصافی که شخصیت علی را برجسته و به گفته شاعر ورای درک بشری ساخته نیز در اشعار بیدل نمود یافته است .

علم و دانش

درباره ی حکمت و دانش علی (علیه السلام) شواهد و احادیث زیادی وجود دارد که مرتبه و جایگاه علمی او را در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و پس از آن به اثبات می رساند ؛ چنان که آن حضرت در این باره برای زمان خود فرمودند : « انا مدینه العلم و علیّ بابها وَ فی روایه فمّن اراد العلم فیأت الباب » (الهیثمی ، 1997 م : 122)
« من شهر علم هستم و علی در آن ، و در روایتی پس هر کس اراده دانش دارد باید از درب وارد شود »
پیامبر اکرم (ص) همچنین درباره داناترین مردم پس از خود فرمودند :
« اعلم امتی من بعدی علی بن ابی طالب » (خوارزمی ، بی تا : 82)

بیدل نیز داناترین مردم جهان را علی دانسته است با این که در مورد حق جانشینی پیامبر چنین اعتقادی نداشت :

بر علم علی اگر توانی پی برد
باید بر هر دو عالمش فضل شمرد
لیکن در مبحث خلافت زنهار
...

(بیدل ، 1342 : 546)

اما این که بیدل چنین جایگاه علمی برای علی قائل شده خود نیز برای آن دلیلی دارد :

ای هوش تو آواره ی نا فهمیدن
از علم علی چه بایدت پرسیدن
آنکسکه رموز (لو کشف) کرد بیان
او بود که دیده بود پیش از دیدن

بنابراین از نظر او کسی که در درک رموز غیبی به درجه ای رسیده که فرموده است : « لو کشف الغطاء ما ازددت یقینا » (بحار ، ج 69 : 209) دانشی بس والا و غیر قابل درک دارد .

تقرب علی به پیامبر

علی (ع) کسی بود که از کودکی تحت سرپرستی پیامبر قرار گرفته و با تعلیم و تربیت ایشان رشد و پرورش یافت ؛ او اولین فردی بود که اسلام آورد و در راه آن بسیار فداکاری کرد . ایشان همچنین همواره یار و یاور پیامبر بود و نزدیکترین مسلمانان به آن حضرت محسوب می شد .



« نحن اقرب » شامل هر شیخ و صبی است

آثار تقرب کمالات نبی است

(بیدل ، 1342 : 111)

در خلق که از حقیقت کار غبی است

آن ختم ولایتی که در ذات علیست

و این تقرب به گونه ای بود که هیچ کس ، حتی در بین کل بستگان حضرت محمد (ص) چنین جایگاهی نزد ایشان نداشت .

هر چند نباشد اثر بغض و نفاق

بی فرقی نیست اعتبارات وفاق

لحمک لحمی که با علی گفت نبی

(بیدل ، 1342 : 360)

بیدل در این سروده خویش به حدیث پیامبر که در دعای ندبه نیز خوانده می شود اشاره دارد که فرمود :

« انا و علی من شجرة واحدة و سائر الناس من شجر شتی ... أنت اخی و وارثی و وصیی ، لحمک لحمی و دمک دمی » (ابن

طاووس ، 1387 : 296)

گویا به غیر از بیدل عده ای از علمای اهل سنت هندوستان نیز برای این حدیث اهمیت ویژه ای قائلند به طوری که نقل است « برخی از اهل سنت ، صلوات را برای غیر از پیامبر جایز ندانسته و آن را جسارت به مقام نبوت به حساب می آورند . بر اساس همین نگرش ، هنگامی که شهید معروف علامه قاضی نور الله تستری ، صاحب احقاق الحق در موقع ذکر نام امیرالمؤمنین علیه السلام کلمه « علیه الصلاه و السلام » را بر زبان آورد ، بر ضد او بسیج شدند و به اصطلاح جهت دفاع از پیامبر !! به پا خاستند و فتوای مباح بودن خون او را صادر کردند . آنان در این باره طوماری تنظیم کردند و از بعضی امضا گرفتند که یکی از علمای بزرگ اهل سنت هندوستان از امضای آن خودداری نمود و زیر آن طومار این شعر را نوشت :

« گر لحمک لحمی ز حدیث نبوی هی کی صل علی نام علی بی ادبی هی »

جمع آوران امضا و متصدیان آن ، طومار را به دربار برده تا نظر شاه را نیز جهت قتل او (صاحب احقاق الحق) به دست آورند .

هنگامی که شاه طومار را ملاحظه کرد چشمش به این بیت افتاد و از اعدام علامه چشم پوشید « (مازندرانی ، 1353 هـ : 1)

اقتدار معنوی

حضرت علی بر قلوب عالمیان حکومت می کند زیرا قدرتش را از راه اجرای عدالت به دست آورده نه به واسطه ستم بر

زیردستان :

« اتأمرونی ان اطلب بالجور فیمن ولیت علیه و الله ما اطور به ما سمر سمیر و ما أمَّ نجمٌ فی السماء نجما . (سید رضی ، 1377

: 284)

معنی : آیا به من امر می کنند تا با ستم کردن در حق کسانی که بر آنان حکومت دارم پیروزی بجویم؟! به خدا سوگند تا شب

و روز می آید و می رود و ستاره به دنبال ستاره حرکت می کند دست به چنین کاری نخواهم زد

و به دلیل همین محبوبیت قلوب عالمیان است که بیدل او را مایه اقبال عرب ، فرمانروای بلخ و شاه نجف خوانده است :



سریر اقتدار بلخ هم شاه نجف دارد «

« ز اقبال عرب غافل مباشید ای عجم زادان

(بیدل ، غزل 992)

حقانیت

پیامبر اکرم (ص) فرمودند : علی مع الحقّ و الحقّ مع علیّ و لن يتفرقا حتی یردا علیّ الحوض (الشافعی ، 1995 : 361)

علی با حق است و حق با علی است و هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد خواهند شد .
و بیدل این مضمون را در یکی از رباعیاتش چنین بیان داشته است :

(بیدل) رقم خفی جلی میخواهی اسرار نبی رمز ولی میخواهی
خلق آئینه است نور احمد دریاب حق فهم اگر فهم علی می خواهی

(بیدل ، 1342 : 487)

شمشیر غیرت

دست غیرت علی به شمشیرش چنان برندگی و تالوویی بخشیده که سزاست بر بازوی هر مرد غیوری ، خاتمی بسته شود
که بر آن « لافتی الا علی » نقش شده باشد .

هر چه از آثار غیرت می تراود غیرتست جوهر شمشیر دارد موج ز آب جوی مرد
بهر این نقش نگین گر خاتمی پیدا کنی لافتی الا علی بنویس بر بازوی مرد

(بیدل ، غزل 1106)

و علی به چنین جایگاهی نرسیده مگر در سایه ی اتصال به دریای بی کران الهی :

موج توفان میزند جوی به دریا متصل جوهر دیگر بود در دست حیدر تیغ را

(بیدل ، غزل 95)

پس هر که بخواهد چون علی شمشیر ستم ستیز حق باشد باید از آرزوهای خویش چشم پوشی کند :
ذوالفقار دگر است آن که کند قلع مل ورنه مقرض هم از بهر بریدن تیغ است

(بیدل ، غزل 501)

اما گذشتن از آرزوهای دنیوی بس دشوار است به گونه ای که :

خلق را بر سر هر لقمه ز بس سر شکنیست ناشتا گر شکنی قلعه خیبر شکنیست

(بیدل ، غزل 765)

با این حال کسی که دیده ای بصیر داشته باشد می تواند بر این غبار فراگیر هوا ، علی گونه پیروز گردد



فتح در خیبر کن اگر چشم گشایی

زین جوش غباری که گرفته است جهان را

(بیدل ، غزل 2811)

در ابیات فوق به خوبی می توان مشاهده کرد که بیدل متناسب با محتوای کلام نقش حضرت علی را در پیروزی های صدر اسلام بیان داشته است ؛ در همین راستا استفاده او از کلماتی چون « لافتی » و « ذوالفقار » یاد آور این مطلب است که « چون در جنگ احد ، حضرت علی علیه السلام کافران را که قصد حضرت رسول داشتند متفرق کرد و پرچمداران را کشت و جمعی را به دوزخ فرستاد جبرئیل گفت : « ای پیامبر خدا ، از خود گذشتگی این است . » پیامبر گفت : او از من است و من از اویم . جبرئیل گفت : من نیز از شمایم ، گویند : در این وقت بانگی بر آمد که « شمشیری جز ذوالفقار نیست و جوانمردی جز علی نیست . » (طبری ، 1362 : 1027)

همچنین بیدل به فتح قلعه خیبر به دست حضرت علی نیز اشاراتی دارد ، ضمن این که ویژگی های اخلاقی آن حضرت نظیر غیرت و جوانمردی ، عدم دلبستگی به دنیا و اتصال به دریای بی کران حق را بیان داشته است . او همچنین با اشاره به نقش اساسی علی در هلاکت ناپاکان معتقد است که ذوالفقار در این راه به خوبی عمل کرده و دیگر لازم نیست با فرومایگان راه انتقام در پیش گرفت .

خون سگان ز ننگ دم ذوالفقار برد

مردان ز کینه خواهی دونان حذر کنید

(بیدل ، غزل 1063)

شفاعت

پیامبر اکرم (ص) فرمود : « عنوان صحیفه المؤمن حبّ علی بن ابیطالب (ع) » سرلوحه و تیترا نامه کردار مؤمنین دوستی علی بن ابیطالب است . (المجلسی ، 1983 : 142)

همچنین در مناقب آل ابی طالب علیهم السلام آمده : الباقر علیه السلام فی قوله « تری کل امه جائیه » قال : « ذاک النبی صلی الله علیه و آله و علی یقوم علی کومٍ قد علا الخلائق فیشفعُ ثمّ یقولُ یا علی اشفع ... » ؛ از امام باقر علیه السلام درباره سخن خداوند « تری کلّ امه جائیه » روایت شده که فرمود : این پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام می باشند که بر جایی بلند که بر خلائق اشراف دارد می ایستند ؛ پس پیامبر شفاعت می کند ، سپس می گوید یا علی شفاعت کن ... » (سروی مازندرانی ، 1379 ق : 165)

و بیدل این مضمون را در بیتی زیبا چنین آورده است :

کند محشور فردا فضل او با اضفیا ما را

اگر امروز دل با خاک راه مرتضی جوشد

(بیدل ، غزل 43)



اصل و گوهر

در آیه 63 سوره آل عمران که مربوط به مباحثه پیامبر با مسیحیان نجران است آنجا که می فرماید :

« ندع ابناءنا و أبناءكم و نساءنا و نساءكم و أنفسنا و أنفسكم ... » بسیاری از مفسران از جمله جابر را اعتقاد بر این است که منظور از « أنفسنا و أنفسکم » رسول الله و علی بن ابی طالب و « ابناءنا » الحسن و الحسین و « نساءنا » فاطمه است . (الدمشقی ، 1917 م : 379) و (السیوطی ، 1993 م : 231)

بنا بر همین اساس پیامبر (ص) و علی یک گوهرند ؛ آنان همچنین از نظر نسب نیز یکسانند چنانکه حضرت حسین (ع) نقل می کنند که پیامبر (ص) فرمودند :

« انا علی نوراً بین یدی الله تعالی من قبل ان یخلق الله آدم ، باربعه عشر الف سنه فلما خلق الله تعالی آدم ركب ذلک النور فی صلبه ، فلم یزل الله ینقله من صلب الی صلب ، حتی اقره فی صلب عبدالمطلب ثم اخرجہ من صلب عبدالمطلب ، فقسمہ قسمین قسمأ فی صلب عبدالله و قسمأ فی صلب ابی طالب ، فعلی منی و انا منه ، لحمه لحمی و دمہ دمی »

« من و علی چهارده هزار سال پیش از خلقت آدم ، نوری در نزد خدای متعال بودیم ، پس هنگامی که خداوند متعال ، آدم را آفرید ، این نور را در صلب او قرار داد و همینطور خداوند آن نور را از صلبی به صلب دیگر منتقل می نمود تا آن که آن نور را در صلب عبدالمطلب استقرار یافت ، آن گاه آن را از صلب عبدالمطلب بیرون آورده و به دو بخش تقسیم نمود ، بخشی از آن در صلب عبدالله و بخشی دیگر را در صلب ابوطالب قرار داد به همین لحاظ علی از من و من از علی هستم ، گوشت و خون او گوشت و خون من است . » (خوارزمی ، بی تا : 87)

افزون بر این دو نسبت ، خانواده علی فرزندان پیامبرند و بیدل همه این مضامین را در نظر داشته هنگامی که رباعی زیر را سروده است :

ای متحد جوهر ایجاد نبی ذکر نسبت تذکره ی یاد نبی

در فضل و کمال تو چه گوید (بیدل) زین بیش که آل تست اولاد نبی

(بیدل ، 1342 : 479)

آنچه بیان شد اشعاری بود از غزلیات و رباعیات شاعر گرانمایه ی هند در مدح و منقبت امیرمؤمنان علی (ع) ، امیری که خود بیدل نیز او را خلیفه ی چهارم می داند و بنا بر توصیفاتش که درباره اش داشته از نظر فضل و کمال برترین انسان ها بعد از پیامبر می شناسد ؛ اما نظر بیدل درباره فرزندان علی یعنی کسانی که شیعیان آنها را امام می شناسند و اهل سنت به خلافتشان معتقد نیستند ، چیست ؟! بیدل در این مورد چگونه عمل کرده و در باب این تفاوت و اختلاف نظر با شیعه چه راهی در پیش گرفته است ؟! در این باره باید گفت که این شاعر اندیشمند بنا به آگاهی و شناختی که نسبت به شیعیان داشته از آنان به نیکی یاد کرده و ائمه ایشان را ستوده و ارادت خود به آن بزرگواران را نیز اظهار داشته است .



شیعه از دیدگاه بیدل

برخی از اهل سنت شیعیان را رافضی یعنی از دین خارج شده می دانند و با آنان راه عناد در پیش می گیرند اما بیدل با دیدی واقع بینانه این دو گروه را از هم جدا دانسته و شیعیان واقعی را به دلیل عفت کلامشان مورد ستایش قرار داده است :

قومیست امامیه بعفت دمساز
در زمره ی شیعیه جماعت ممتاز
زین طایفه گر شمره ئی رافضی را
با عطر گل آمیخته ئی عطر براز

(بیدل ، 1342 : 557)

این در حالی است که او جدای از نکوهش هایی که از روافض دارد آنها را به همراه خوارج گروه هایی می داند که قدرت تشخیص درست و غلط را ندارند و راه اشتباه خویش را صحیح می انگارند :

آنجا که تمییز از قبول و رد نیست
خلق مردود آنقدر مرتد نیست
گر رافضی و خارجی صلاح آثار است
در عالم خود چراغ کش هم بد نیست

(بیدل ، 1342 : 538)

بیدل با این توصیفی که از رافضیان دارد گفته های آنها را بی اهمیت دانسته و معتقد است که تهمت های خوارج و روافض تأثیری در قدر و شأن بزرگان دین ندارد :

در عالم اشتراک اسمی کم نیست
هر کس به نشان چشم و گوش آدم نیست
گو رافضی بر کرام تهمت بندد
بوبکر و علی ما از این عالم نیست

(بیدل ، 1342 : 540)

گذشته از این که بیدل رافضیان را بی اهمیت تلقی کرده ، او آنها را گروهی خودسر معرفی نموده که می خواهند بین خلفا و فرزندان علی اختلاف ایجاد کنند و آنها را دشمن یکدیگر نشان دهند :

حاشا که شود بفحش و بهتانی چند
(بیدل) ستم است رافضیان خودسر
دارند ز ما توقع فحش نظر
فرزند علی دشمن بوبکر و عمر

(بیدل ، 1342 : 555)

بیدل همچنین رافضی ها را امت شیطان و بی دینانی شمرده که به دلیل نگرش غلط همیشگی خود ، اهل سنت را خارجی (یا از دین خارج شده) می دانند :

این رافضی ها که امت شیطانند
از بسکه خطا و غلط بینانند
پر بیدینند و سخت بی ایمانند
سنی را نیز خارجی می دانند

(بیدل ، 1342 : 545)

بنابراین اوصافی که بدان اشاره شد رافضیان را اندیشه دین نیست ؛ آنان با شیعه نیز صداقت ندارند و تشیع را دستاویز تعصبات خود برای کینه ورزی و دشمنی قرار داده اند :



از بغض و حسد ره جهنم پویان
رضیها یعنی این تعصب خویان
رفتند پی یزید لعنت گویان
کردند تبر از درود حسنین

(بیدل ، 1342 : 561)

و البته که این کار آنها (ریا در دینداری) برابر عمل یزید است و همواره مستوجب لعنت :
چون خارجیان قوم روافض به خیال
می بندد از احوال شهیدان اشکال
آن کار که تا به حشر لعنت دارد
یکروز یزید کرد و اینها هر سال

(بیدل ، 1342 : 557)

با توجه به مطالبی که بیان شد باید پرسید که دلیل این آگاهی بیدل از رویه ی نادرست رافضیان و درک او از تفاوت آنها
با شیعیان در چیست ؟ پاسخ پرسش شاید در این موضوع نهفته باشد که خود اهل سنت هم از وجود گروهی با همین اوصاف
در بین خودشان ناخشنودند ؛ چنان که شاعر گوید :

آن خارجی لعین مردود و پلید
آن امت شمر و پیرو دین یزید
تا همچو سگان بچوب و سنگش نکشند
خود را در سنت و جماعت دزدید

(بیدل ، 1342 : 544)

ائمه شیعه

بیدل در شعر خود از دوازده امام به نام « اثنا عشر » یاد می کند . نامی که در منابع شیعه و اهل سنت از قول پیامبر
برای جانشینان آن حضرت ذکر گردیده است ؛ در این مورد از جابر بن سمره نقل شده : « سَمِعْتُ النَّبِيَّ (ص) ، يَقُولُ : يَكُونُ
اِثْنَيْ عَشَرَ امِيرًا فَقَالَ كَلِمَةً لَمْ أَسْمَعْهَا ، فَقَالَ أَبِي ، اِنَّهٗ قَالَ كَلَّمَهُمْ مِنْ قَرِيْشٍ ؛ از رسول خدا شنیدم که فرمود : دوازده امیر خواهد
بود . آن گاه سخنی گفت که من آن را نشنیدم ؛ پدرم گفت : پیامبر فرمود : همه آنان از قریشند . » (بخاری ، بی تا : 127)
او همچنین امامان شیعه را تابع سنت رسول الله می داند ؛ نظیر آنکه عایشه بسیار پیشتر علی را داناترین مردم به سنت معرفی
کرده بود : « و قد شهدت عائشه و قالت علی اعلم الناس بالسنة » (ابن عساکر ، 1415 هجریه : 408)
بر این اساس می توان گفت که بیدل شاعری نیک رویه و نیکو اندیش است که ائمه شیعه را به خوبی شناخته و بدون هیچ
تعصبی مورد ستایش قرار داده است :

اثنا عشر آفتاب معنی بودند
فارغ ز کسوف نقص دعوی بودند
بر جاده سنت نبی شان ره بود
بی کذب و نفاق جمله سنی بودند

(بیدل ، 1342 : 176)

چنانکه مشاهده می شود بیدل ارادت خود به جمیع امامان شیعه را در این رباعی به وضوح بیان داشته ؛ علاوه بر این او از
بعضی ائمه نیز به طور خاص نام برده است مثلا از امام حسین (ع) و واقعه کربلا بسیار یاد کرده و در مورد امام دوازدهم هم
ابیاتی دارد که همگی نشان دهنده ی دوستی و محبتش به فرزندان پیامبر (ص) می باشد .



امام حسین و آیینہ ی کربلا

یاد امام حسین همواره با نام کربلا و محرم همراه گشته است؛ در واقع مکان و زمان شهادت آن حضرت و نیز بهایی که در فرمانبرداری از حق برای دفع ستم ظالمان پرداختند؛ زمینه ساز حماسه ای بی نظیر شد که از زمان سرایش، علیرغم افتخار ماندگاری که در عرصه ی انسانیت رقم زد، به دلیل رنجی که همراه داشت همواره دل ها را غمگین و چشم ها را اشکبار نموده است؛ همچنانکه شهادت مظلومانه امام حسن نیز اندوهبار و غم انگیز است:

بیدل به هر کجا رگ ابری نشان دهند
در ماتم حسین و حسن گریه می کنند

(بیدل ، غزل 1447)

اما افسوس که گریه و سوگواری در شهادت امام حسین برای برخی به صورت عادت و رسمی در آمده که هر سال در محرم تکرار می شود:

عیش و غم تو تابع رسم است ورنه چیست
در عید خنده و به محرم گریستن

(بیدل ، غزل 2426)

در حالی که درک حقیقت قیام عاشورا و آتش اندوهی که از شهادت امام حسین یعنی صدای تنها مانده ی حق در دل های مؤمنان شعله کشیده از مرز رسم و زمان گذشته و پیوسته و همیشگی شده است به طوری که پیامبر اکرم (ص) در این باره فرمودند: « إن لقتل الحسین حراره فی قلوب المؤمنین لا تبرا ابدا »؛ (نوری طبرسی ، 1408 ق : 318)
برای شهادت حسین در دل های مؤمنان حرارتی است که هرگز سرد و خاموش نمی شود؛ بنابراین مطابق عادت سوگواری کردن به تنهایی کافی نیست، بلکه آتش غمی که از این مصیبت در دل مؤمنان است مایه ای برای بیداری و انگیزه ای برای ستم ستیزی خواهد بود که همیشگی است.

از هجوم اشک در گرد ستم خوابیده ام
جیب و دامانم ز جوش این شهیدان کربلاست

(بیدل ، غزل 433)

سبحة کربلا

سبحة عبارت از مهره هایی به رشته کشیده شده برای ذکر خداست که بدان تسبیح نیز می گویند . بر اساس کتب حدیث شیعه ، استفاده از تسبیح در صدر اسلام متداول بوده است ؛ مثلا گفته شده که حضرت فاطمه علیها السلام چون از پیامبر صلی الله علیه و آله شنید که پس از هر نماز ، گفتن 34 تکبیر ، و 33 تسبیح (سبحانه الله) و 33 تحمید (الحمد لله) ، که به تسبیحات حضرت زهرا مشهور است ثوابی بزرگ دارد تسبیحی از نخ پشمی با 34 گره تهیه کرد . وقتی حمزه عموی پیامبر ، در سال سوم هجرت به شهادت رسید ، حضرت فاطمه سلام الله علیها از خاک مزار او تسبیحی برای خود ساخت . مردم نیز بعدها از تربت حمزه تسبیح ساختند و پس از شهادت امام حسین علیه السلام ، شیعیان از تربت او تسبیح ساختند (مجلسی ، 1983 م : 333)



بیدل با اشاره به این مضمون ، ارزش والای سبحه کربلا را نشان دهنده ماندگاری و گردش خون شهیدان دانسته و ارتباط
گردش تسبیح با یاد خدا را در اشعار خویش بارها بیان داشته است :

آنرا که ز درد دینش افسونی هست در یاد حسین داغ مدفونی است
هر گاه ز خاک کربلا سبحه کنند در گردش آن چکیدن خونی است

(بیدل ، 1342 : 47)

گلریزی اشک بوی خون داشت این سبحه ز خاک کربلا بود

(بیدل ، غزل 1479)

دل چون امام سبحه اگر بفشرد قدم بیدل به یک پیاده ره صد سوار گیر

(بیدل ، غزل 1705) .

محرم ماه تقوا

محرم ماه شهادت امام حسین است ؛ اما بر پایه ی کارهای جهان خونریز بنیاد ، ماه آغازین سال قمری قرار گرفته است :
جهان خونریز بنیاد است هشدار سر سال از محرم آفریدند

(بیدل ، غزل 1382)

با وجودی که محرم سر سال و عید عشرت آفاق است به دلیل شهادت امام حسین نزد جوانمردان عید شمرده نمی شود .
مروت آب شد از شرم چشم قربانی که عید عشرت آفاق در محرم اوست
(بیدل ، غزل 680)

اما اگر اهل عالم توفیق بیابند تا به جای ماتم در این ماه ، آن را زمان تقوا و سربلندی تقوا پیشگان شهید در کربلا بدانند ، آنگاه
بعد از عید رمضان ، محرم دومین عید خواهد بود :

توفیقی اگر در اهل عالم می بود غیر از وضع صلاح ماتم می بود
اینجا تقوی اگر اعتباری می داشت بعد از رمضان عید محرم می بود

(بیدل ، 1342 : 215)



درس های کربلا

ایستادگی امام حسین در برابر ستم و شهادت پر افتخار ایشان ، درسهایی ارزشمند برای بشریت داشته که هرگز فراموش شدنی نیست .

استغنا

برو در کربلا دیگر میپرس از رمز استغنا

شهید ناز او از تیغ میخواهد دم آبی

(بیدل ، غزل 2654)

گذشت خلقی از این دشت بینیاز امید

من از فسانه کوثر به کربلا ماندم

(بیدل ، غزل 2103)

تقوا

توفیقی اگر در اهل عالم می بود

غیر از وضع صلاح ماتم می بود

اینجا تقوی اگر اعتباری می داشت

بعد از رمضان عید محرم می بود

(بیدل ، 1342 : 215)

غیرت

کیست در این انجمن محرم عشق غیور

ما همه بی غیرتیم آینه در کربلاست

(بیدل ، غزل 430)

ثبات قدم

دل چون امام سبحه اگر بفشرد قدم

بیدل به یک پیاده ره صد سوار گیر

(بیدل ، غزل 1705)

گذشته از اشعاری که بیدل در آنها از امام حسین و قیام عاشورا یاد کرده ، در ابیاتی چند از یزید هم نام برده است و در برخی زمان را ارزشمندتر از آن دانسته که حتی صرف لعن او شود :

بغض و حسد هم که نه فرضست و نه دین

شد رهزن افهام ز سر منزل عین

آن اوقاتی که رفت در لعن یزید

ایکاش شدی صرف درود حسنین

(بیدل ، 1342 : 434)



او همچنین توصیه هایی در حقیر شمردن یزید ، خوشحال بودن با یاد امام حسین و دوری گزیدن از کسانی که مخالف برپایی مجلس شادی برای آن حضرت هستند داشته است :

با صاحب حسن بی شر شور نشین
وز هر که پراکنده ی مجلس باشد
با یاد حسین شاد و مسرور نشین
بر ریش یزید تف کن و دور نشین

(بیدل ، 1342 : 560)

البته پیش از این نیز اشاره شد که بیدل پیروزی و سربلندی امام حسین در آزمون تقوای الهی را مایه خوشحالی و سزاوار برپایی عید می داند :

توفیقی اگر در اهل عالم می بود
اینجا تقوی اگر اعتباری می داشت
غیر از وضع صلاح ماتم می بود
بعد از رمضان عید محرم می بود

(بیدل ، 1342 : 215)

امام مهدی

امام مهدی (عج) دوازدهمین امام شیعه از نسل حسنین (علیهما السلام) است که در سرانجام دنیا ظهور کرده و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد : « در مسند ابو داود و ترمذی از ابن مسعود روایت کرده است که حضرت رسول (ص) فرمود که اگر از دنیا نمانده باشد مگر یک روز البته حقتعالی آن روز را طولانی خواهد کرد تا آنکه برانگیزاند در آن روز مردی از امت من یا از اهل بیت مرا که نام او موافق نام من باشد و پر کند زمین را از عدالت چنانچه پر از ظلم و جور بوده باشد . » (قمی ، 1350 ق : 497)

یکی از علائم ظهور امام زمان « خروج دجال است و آن ملعون ادعای الوهیت نماید و بوجود نحس او خونریزی و فتنه در عالم واقع خواهد شد و میان او و لشکر قائم (ع) جنگ واقع می شود . بالاخره آن ملعون بدست مبارک حضرت حجت المهدی (ع) یا بدست عیسی بن مریم (ع) کشته شود . » (قمی ، 1350 ق : 568 و 569)

اعتقاد به ظهور منجی که در ادیان و مذاهب مختلف بدان اشاره شده ، در آثار هنرمندان نیز تجلی داشته است ؛ در همین راستا بیدل دهلوی هم ضمن اینکه در ابیاتی از حضرت مهدی (عج) و عدل و داد ایشان یاد کرده ، در لفافه ای زیبا ستمگران زمان خود را دجال خوانده و از عدم برقراری عدل و انصاف در روزگار خویش شکایت نموده است :

امروز گر انصاف دهد داد طبایع
کس منتظر مهدی و دجال نباشد

(بیدل ، غزل 1192)

عرض دین حق مبر در پیش مغروران جاه
سعی مهدی بر نمی آید به این دجالها

(بیدل ، غزل 295)

علاوه بر این بیدل به همراهی حضرت مسیح (ع) با امام مهدی (ع) در زمان ظهور نیز اشاره کرده است . درباره این موضوع نقل است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود : « پیوسته طایفه ای از امت من مقاتله بر حق خواهند کرد و



غالب خواهند بود تا روز قیامت پس فرود خواهد آمد عیسی پسر مریم پس امیر ایشان خواهد گفت بیا با تو نماز کنیم ، او خواهد گفت نه شما بر یکدیگر امیرید برای آنکه خدا این امت را گرامی داشته است . « (قمی ، 1350 ق : 597)
 برخی اشعار که بیدل در آنها به آمدن مهدی و عیسی اشاره نموده باز هم به گونه ای بیانگر اوضاع نامناسب آن روزگار است :
 عالم که بوضع خودسری مسرور است در شیوه غفلت حسبی مجبور است
 باز آمدن مهدی و عیسی اینجا از تجربه ی مزاج و عرفان دور است
 (بیدل ، 1342 : 125)

اما غفلت دنیای خودسر را ، که مانع آمدن مهدی و مسیح شده است ، باور فطری به ظهور منجی جبران نموده ؛ به گونه ای که اعتقاد بدان شبهه ها را برطرف کرده و ایمان را استحکام بخشیده است :
 افسونگر فطرت همه جا جهد گماشت تا شبهه در اعتقاد خامان نگذاشت
 صد شکر که قصه ی مسیح و مهدی از اسلام تو ضعف ایمان برداشت
 (بیدل ، 1342 : 33)

گر چه تعداد ابیاتی که شاعر در آنها از حضرت مهدی یاد کرده اندک است اما بیانگر ستم ستیزی آن حضرت در مقابله با مغروران جاه می باشد ؛ ضمن این که امید به ظهور ایشان در تقویت اعتقادات مذهبی و ایمان قلبی انسان ها تأثیری مشهود و قابل ملاحظه دارد .

با توجه به مطالب فوق دقت در آثار بیدل و توجه به طریقی که این شاعر گرانمایه در بیان فضایل ائمه شیعه در پیش گرفته ، نشان دهنده روح بلند و اندیشه ی بیدار اوست ، زیرا با قاطعیت می توان گفت که کمتر کسانی چون او یافت می شوند که نسبت به گرایشات مذهبی متفاوت نه تنها عکس العملی متعصبانه و تند نداشته باشند بلکه خود نیز در بیان نیکویی های آنها کوشش نمایند ؛ بنابر همین دلیل هم شناخت بزرگانی چون بیدل دهلوی و ارج نهادن به افکار و اندیشه های والای آنها وظیفه ای است که در صورت انجام ، تأثیری به سزا در ترویج صفات و فضایل انسانی و اخلاقی بر جای خواهد گذاشت .



بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر بر آن بود تا به جمع آوری و بررسی رباعیات و ابیاتی از غزلیات بیدل دهلوی پردازد که درباره ائمه شیعه سروده شده و به طور مستقیم نام، صفات و یا وقایع مربوط به آنان را منظور نظر داشته است؛ با وجودی که این شاعر سنی مذهب در چنین زمینه ای بسیار آگاهانه و ماهرانه عمل کرده به طوری که می توان گفت از بسیاری شعرای شیعی پیشی گرفته است، متأسفانه تاکنون تلاشی فراخور نمایاندن کار ارزشمند او صورت نگرفته است؛ البته کم و بیش در بین پژوهش های برخی محققان، گاه در میان اشعار عاشورایی و گاه در اشعار مدح و منقبتی علی (ع) مطالبی در این زمینه آمده که در مقابل کار او بسیار مختصر و اندک است بنابراین در پژوهش حاضر، با جمع آوری اشعار مربوط به ائمه در غزلیات و رباعیات بیدل و بررسی و تطابق آنها با احادیث، روایات و یا وقایع مربوط، سعی گردیده تا دیدگاه شاعر درباره تشیع و امامان شیعه و تلاش و اشتیاق، توانایی، آگاهی و بیان مناسب او در این زمینه نشان داده شود.

با توجه به گستردگی مبحث مورد نظر و وجود جلوه های متعدد آن در دیگر قالب های شعری بیدل پیشنهاد می شود تا پژوهش های بیشتری درباره این موضوع در قالب های مختلف شعری و نیز کل مجموعه اشعار شاعر به عمل آید؛ همچنین سیمای هر یک از ائمه از دیدگاه او مورد بررسی قرار گیرد تا معانی بلند و نغز نهفته در اشعار او که به این موضوع اختصاص دارد بیشتر شناخته شود.

منابع

- 1- ابن طاووس، علی بن موسی، 1387، اقبال الاعمال، سما قلم.
- 2- ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن، 1415 هجریه، تاریخ مدینه دمشق، ج 42، تحقیق: علی شیری، الناشر دارالفکر.
- 3- ابن کثیر الدمشقی، 1917 م، تفسیر القرآن العظیم، ج 1، بیروت، دارالمعرفه.
- 4- السیوطی، 1993 م، الدر المنثور فی التفسیر المأثور، ج 2، دارالفکر، بیروت.
- 5- الشافعی، ابی القاسم علی بن الحسن ابن هبه الله بن عبدالله (الوفاء: 571)، 1995، تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الامائل، تحقیق: محب الدین ابی سعید عمر بن غرامه العمری، بیروت، والنشر: دارالفکر.
- 6- المجلسی، محمدباقر، 1403 ق / 1983 م، بحار الانوار، ج 82، بیروت، ط مؤسسه الوفاء.
- 7- الهیثمی، ابوالعباس احمد بن محمد بن علی ابن حجر، 1417 هـ. (1997 م)، الصواعق المحرقة علی اهل الرفض و الضلال و الزندقه، ج 2، تحقیق: عبدالرحمن بن عبدالله التركي، کامل محمد الخراط، لبنان، مؤسسه الرساله.
- 8- بخاری، محمد بن اسماعیل، بی تا، الصحيح، ج 8، تحقیق: دکتر مصطفی ریب البغاء، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت.
- 9- بیدل، ابوالمعانی میرزا عبدالقادر، رباعیات، 1342، دیوهنی مطبعه کابل.
- 10- بیدل دهلوی، عبدالقادر بن عبدالخالق، 1225، کلیات دیوان، استنساخ بخارا، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.
- 11- خوارزمی، الموفق بن احمد، بی تا، مناقب، چاپ چهارم، قم، جامعه مدرسین.
- 12- سروی مازندرانی، محمد بن علی، 1379 ق، مناقب آل ابی طالب، ج 2، قم، انتشارات علامه.
- 13- سید رضی، 1377، نهج البلاغه، خ 126، مترجم: حسین انصاریان، چاپ سوم، تهران، پیام آزادی.
- 14- طبری، محمدبن جریر، 1362، تاریخ طبری (تاریخ الرسل و الملوک)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ دوم، تهران، انتشارات اساطیر.



- 15- فاضلی ، مهسا ، تأملی در نجواهای رسول خدا (ص) با علی (ع) ، مجله بینات ، شماره 52 ، زمستان 1385 ، ص 188 .
- 16- قمی ، حاج شیخ عباس ، اتمام 1350 ق ، منتهی الامال ، ج 2 ، تهران ، چاپ حاتم .
- 17- مازندرانی ، سید محمد شفیعی ، 1353 هـ ، اصل مطلب گرفته شده از چهل حدیث در باب اعجاز صلوات بر محمد و آل محمد (ص) ، به نقل از تفسیر لاصفی ، مولا محسن کاشانی (1091) ، مرکز تعلیمات اسلامی واشنگتن .
- 18- محمدی ری شهری ، محمد ، 1382 هـ . ش ، دانشنامه امیرالمؤمنین ، ترجمه عبدالهادی مسعودی ، چاپ اول ، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث .
- 19- نوری طبرسی ، میرزا حسین ، 1408 ق ، مستدرک الوسائل ، ج 10 ، چاپ دوم ، قم ، مؤسسه آل بیت (علیهم السلام) لإحیاء التراث .